

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان، جنوری ۱۹۹۶م

دام تزویر

مده ای محتسب آزار کس را چه می خواهی پی اقرار کس را
«تو خود را باش» با شلاق تزویر که نی سر ماند و نی دستار کس را
دگر آسان به دام خود نیاری به این افسانه و افسار کس را
مقام کس نصیب تو نگرده گر اقرار است و گر انکار کس را
نمی دانی که از بیداد جمعی نه دین ماند و نه با دین کار کس را
ز ویرانگر چنان ویرانه شد شهر که نه دل ماند و نی دلداری کس را
نه راه خانقاه و مسجد آباد نه شور عجز و استغفار کس را
بنای دوستی ویران شد آن سان که نتوان دوست خواند و یار کس را
ز راکت آفتی بر شهر بارید که نه در ماند و نی دیوار کس را
بساط خودسری از بسکه گرمست نه سرکار است و نی سردار کس را
خوش ایامی که در جمع **مجاهد** نمی نامید کس اشرار کس را
و یا آن که خریدن بود مشکل به پوند و دالرو کلداری کس را
ولی امروز از فرط خیانت ازین نام خوش آید عار کس را
خدای من به محرومی مینداز به چنگ ذلت و ادبار کس را

«اسیر» از ناتوانی بار دوش است

مکن یا رب به دوشی بار کس را